

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«سؤال اول»

از طرفی گفته شده که هر وقت حاجتی داریم اول برای حضرت ولی عصر علیه السلام دعا کنیم که بهترین و بالاترین دعاها است و از طرف دیگر باید امورمان را به خدا واگذار کنیم و بگوئیم: خداوندا هر چه خیر و صلاحمان هست به ما مرحمت فرما. حال مطرح کردن حوائج و آنها را یکی یکی از خدا خواستن آیا با مطلب بالا منافات ندارد؟

«پاسخ»

به این علت گفته شده در دعاهایتان بیشتر برای فرج دعا کنید و اگر خواستید برای برآورده شدن حوائج خود دعا کنید، ابتدا برای فرج امام زمان علیه السلام دعا کنید، چون فرج ایشان همه گرفتاری ها و مشکلات را رفع می کند و باید حوائج امام زمان علیه السلام را بر حوائج خود مقدم بشماریم. اما دعا یک نحوه سخن گفتن با خدا است، دعا این نیست که خداوند حاجت ما را نداند و متوجه نباشد و ما او را راهنمایی و متوجه کنیم! بلکه خداوند همه چیز را می داند.

مثلاً حضرت موسی وقتی به کوه طور رفت، خدای تعالی از او پرسید: «وَمَا تَلَكَ بِمِیْنِکَ یَمُوسِی : و آن چیست که در دست راست توست ای موسی؟» (آیه ۱۷ سوره طه) آیا خدا نمی دانست در دست حضرت موسی چیست؟ قطعاً می دانست. پس چرا با اینکه می دانست سؤال کرد؟ حضرت موسی گفت: «قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُا عَلَیْهَا وَ أَهْشَ بِهَا عَلَى غَنَمِی وَ لِي فِيهَا مَثَرَبِ أُخْرَى : این عصای من است، به آن تکیه می دهم، برگهای درختان را با آن برای گوسفندانم می ریزم (و بقیه اش را خجالت کشید بگوید و لذا گفت): و کارهایی غیر اینها برای من به وسیله آن انجام می شود.» (آیه ۱۸ سوره طه)

حضرت موسی فقط می دانست بین دو محبوب، در مقام دوستی و در مقام محبت، راه انس محب با محبوبش، سخن گفتن است که با هم صحبتی کنند و تکلمی نمایند. از خصوصیات دعا این است که انسان وقتی دعا می کند، اولاً خودش را محتاج می داند و خدا را بی نیاز معرفی می کند: «أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (آیه ۱۵ سوره فاطر) و همچنین صحبت با خدا و حرف زدن با پروردگار توجه انسان را به خدای تعالی زیاد می کند و انسان با خداوند مأنوس می شود و کارهایش تنظیم می گردد، کسی که یک ساعت در شبانه روز با خدا مناجات کند، دیگر بعید است که کار خلافی بکند یا مرتکب گناه شود و بعید است که دیگر به راه انحرافی برود.

«سؤال دوم»

اینکه حضرت ولی عصر علیه السلام در هنگام ظهور تنها با شمشیر معمولی قیام می کنند، توضیح دهید. آیا با یک شمشیر معمولی می شود تمام دنیا را تسخیر کرد یا شمشیر حضرت خصوصیتی دارد؟

«پاسخ»

شمشیر حضرت بقیه الله علیه السلام شخصیت و ابهت او است والا حضرت احتیاجی به شمشیر هم ندارد. طرز انقلاب آن حضرت این طور است که اولاً مردم از نظر سواد و فکر و استعداد در آن زمان رشد می کنند که الحمدلله الان تا حدی آن رشد را کرده اند، دوم اینکه ظلم را احساس می کنند و می فهمند که حقیقت چیست و دشمن حق آنها را ضایع کرده است.

شاید گفته شود از ما چه حقی ضایع شده است؟ درب خانه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فقط چهار سال باز بود، نهج البلاغه و این همه مطالب علمی در اختیار مردم قرار گرفت، حال اگر ۲۵ سال دیگر هم این در باز می بود، سخنان آن حضرت و فعالیت های مؤثر آن حضرت چندین برابر می شد و بقیه ائمه علیهم السلام هم همین طور، پس درب علم و دانش را به روی ما بسته اند.

اگر امام زمان علیه السلام در این مدت بیش از ۱۱۸۰ سال در اختیار مردم بودند، چقدر علم و دانش داشتیم؟ اینکه ما در مقابل علم و دانش جاهلیم، جهلمان مربوط به کسی است که در خانه فاطمه زهراء علیها السلام را آتش زد و در خانه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را به روی مردم بست. پس الان هم همه ما مظلومیم و عالم پر از ظلم و جور شده است.

از طرف دیگر زمین به قدری معادن و منابع دارد که اگر به دست بیاید، همه مردم ثروتمند و مرفه می شوند، پس این ظلم است که کسی آنها را استخراج نکند و یا نداند که آنها چیست و خیلی ها با فقر و گرسنگی زندگی کنند. یک عده اموال ممالک اسلامی و دیگر کشور ها را می برند و کارهای بی ربط و اسراف زیادی می کنند و یک عده هم کنار همان ها با فقر دسته و پنجه نرم می کنند.

مردم اواخر سلطنت پهلوی احساس کردند که بر آنها ظلم می شود و دینشان نزدیک است از بین برود، همه قیام کردند و یک فردی را که نماینده امام زمانمان علیه السلام بود، از نظر مرجعیت، رهبری و غیره قبول کردند و او را جای شاه نشانند و از او اطاعت کردند در حالی که او سلاحی نداشت.

امام عصر علیه السلام وقتی می آیند که مردم احساس کرده باشند نسبت به آنها ظلم می شود و او را پذیرا باشند. وقتی که همه مردم این احساس را کردند و منتظر یک چنین عدالت گستری بودند و او هم آمد، دیگر جنگ و دعوا ندارد که اسلحه سرد و گرم احتیاج داشته باشد!

از کار افتادن اسلحه ها نیز به طور کلی به دو معنا است: یکی اینکه مثلاً شخصی پشت مسلسل نشسته است و ماشه را می کشد ولی کار نمی کند یا در تانک بنزین ریخته اند ولی حرکت نمی کند. امام زمان علیه السلام اراده می فرمایند که هیچ سلاحی کار نکند، همان طور که چاقوی حضرت ابراهیم علیه السلام گردن حضرت اسماعیل را نبرد، که بعید است منظور از اینکه سلاح ها از کار می افتند این مورد باشد.

معنای دوم این است که سلاح ها کار می کنند، ولی زمینه ای پیش آمده که نیازی به این وسائل نیست. حضرت بقیه الله علیه السلام با معجزاتی که دارند، از قبیل صیحه آسمانی و اینکه صدای حضرت را تمام مردم کره زمین در یک لحظه و به طور یکنواخت می شنوند، یعنی کسی که مقابل آن حضرت نشسته، صدای آن حضرت برایش گوشخراش نیست و کسی هم که در اقصی نقاط دنیا است صدای ایشان را آهسته نمی شنود، بلکه همه یکنواخت می شنوند، یا اینکه همه قیافه حضرت را بدون گیرنده و فرستنده می بینند. همچنین به ابر دستور می دهند و ابر بدون اینکه باد آن را ببرد، جمعیتی را بر می دارد و جابجا می کند.

این معجزات مردمی را که اهل علم و اکتشاف و اختراع هستند در مقابل آن حضرت خاضع می کند و به او ایمان می آورند. چنانکه وقتی ساحران در زمان حضرت موسی علیه السلام معجزه عصا انداختن و تبدیل شدن آن به اژدها را دیدند، زودتر از بقیه مردم ایمان آوردند. همین طور بقیه کسانی که رادارها و دستگاههای مجهز را اختراع کرده اند و کسانی که وسائل فرستنده و گیرنده مثل رادیو و تلویزیون وغیره را در اختیار دارند، وقتی صدا و چهره حضرت ولی عصر علیه السلام را می شنوند و می بینند که بدون فرستنده، گیرنده، بلندگو، رادیو و تلویزیون در تمام جهان مساوی پخش می شود، ممکن است با همین معجزه ها بگویند اینکه کار بشر نیست، بلکه کار خدا است و ایمان بیاورند یا لاقلاً بترسند و بگویند ایشان موجود فوق العاده ای هستند و تسلیم شوند.

وقتی کسانی که هواپیماها و موشکها در اختیارشان هست متوجه می شوند که ایشان فرد فوق العاده ای است و ایمان می آورند، پس کارهایی که زیر نظرشان هست یا به نفع امام زمان علیه السلام تمام می شود و یا اینکه لاقلاً از این وسائل علیه ایشان استفاده نمی کنند. اینکه گفته شده هیچ وسیله ای از وسائل مخرب و وسائل روز علیه امام زمان علیه السلام کار نمی کند، علتش این است که اینها ایمان می آورند. یعنی چون یک قیام همگانی به وقوع پیوسته پس چه کسی می خواهد توپ و تانک ها را به کار بیاندازد؟ چه کسی می خواهد موشک ها و هواپیما ها را به کار بیاندازد؟ همه ایمان دارند.

همچنین توجه به این نکته لازم است که استفاده از بمب اتمی و وسائل تخریب کننده دسته جمعی و لو اینکه از طرف عادل ترین افراد بشر بکار گرفته شود، بی عدالتی است. چون حتی اگر مردم یک شهر را که همه یاغی هستند بخواهند از بین ببرند و آن را بمباران کنند، حتی اگر بر فرض همه مردم شهر بد باشند، خانه ها که بد نبودند که خراب شوند و این کار اسراف است و در ضمن بچه های کوچک و پیرزن ها و پیرمردها هم نباید کشته شوند.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی که اصحاب معاویه به شهر انبار هجوم آوردند و خلخال و گوشواره یک زن ذمیه (زن غیر مسلمانی که در ذمه اسلام باشد) و یک زن مسلمان را بیرون کشیدند فرمودند: اگر مسلمانی به خاطر غصه این کار بمیرد نزد من ملامت شده نیست بلکه دارای اجر هم هست. بنابراین در برنامه اسلام یک سر سوزن هم ظلم و ضرر به کسی که بی گناه است، نیست. زیرا ائمه اطهار علیهم السلام فرموده اند: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام». حضرت بقیه الله ارواحنا فداه آمده اند که اسلام را پیاده کنند و دنیا را پر از عدل و داد نمایند. پس نمی شود که با بمب مشغول کار شوند.

حضرت ولی عصر ارواحنا فداه با شمشیر قیام می کنند و از جهت عقلی و علمی هم همین کار درست است. مثلاً اگر رئیس جمهور اسرائیل، موجود خبیثی است که قابل هدایت نیست و باید او را کشت، آیا ما باید تل آویو را بمباران کنیم تا رئیس جمهور کشته شود؟! پس راه چاره این است که با یک شمشیر بروند و در اتاق شخصی اش او را گردن بزنند.

بنابراین به احتمال زیاد حضرت مهدی علیه السلام کار غیر طبیعی نمی کنند و وسائل جنگی روز از کار نمی افتند، بلکه کار می کنند ولی کسی نیست که آنها را به کار بیاندازد و از آنها استفاده کند، بلکه همه در مسیر و اهداف امام عصر علیه السلام قرار می گیرند. تمام اجته در روز عاشورا به خدمت حضرت سیدالشهداء علیه السلام

رفتند و گفتند که ما حاضریم در خدمتتان باشیم. ولی حضرت قبول نکردند. چون نمی خواستند کارها غیرطبیعی پیش برود. به همین دلیل هم حضرت بقیه الله علیه السلام ادوات جنگی را از کار نمی اندازند، بلکه کارها را طبیعی انجام می دهند.

«سؤال سوم»

آیا علت غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام فقط آماده نبودن مردم است؟

«پاسخ»

غیبت امام زمان علیه السلام، علل مختلفی دارد که یکی از آنها آماده نبودن مردم است. البته مسأله مهم در ظهور همین است که مردم آماده شوند و اول احساس نیاز به یک عدالت گستر پیدا کنند و بعد خواستار آن شوند و وقتی ظهور فرمود، عدالتش را قبول کنند و قوانینش را بپذیرند. این که در روایات آمده است دنیا باید پراز ظلم و جور بشود تا حضرت ظهور کنند، به این جهت است که وقتی دنیا پر از ظلم و جور شد و مردم متوجه شدند حقشان ضایع می شود، همه آماده برای یک دادخواه عدالت گستری که بیاید حقشان را به آنها برگرداند، می شوند. پس دو چیز برای ظهور آن حضرت لازم است: اول: پر از ظلم و جور شدن دنیا که همان زمانی که در خانه علی بن ابیطالب علیه السلام و ائمه اطهار علیهم السلام را بستند، دنیا پر از ظلم و جور شد، چون مردم از معارف حقّه و علوم حقیقی دور نگه داشته شدند. دوم: اینکه انسان این را بفهمد و درک کند که یک چنین حقی از او گرفته شده و دادخواهی کند، آن وقت دادخواه به سراغش می آید.

«سؤال چهارم»

اینکه می گویند برای سلامتی امام زمان علیه السلام صلوات بفرستید، آیا درست است؟ مگر برای آن حضرت امکان بیماری هم وجود دارد؟

«پاسخ»

امام زمان علیه السلام دو بعد دارند:

اول: بعد ملکوتی که روح مقدس شان از مخلوقات خدا بوده که خدا در اول خلقت خلقشان کرده و آن حضرت و ائمه اطهار علیهم السلام در عرش مستقر بوده اند. همان طور که در زیارت جامعه عرض می کنیم: «خلقکم الله انوارا فجعلکم بعرضه محدقین حتی منّ علینا بکم : خدا شما را نورهایی که در عرش بودید خلق فرمود و در عرش بودید تا خدا بر ما منت گذاشت و شما را در میان ما قرار داد.» (بحارالانوار، جلد ۹۹، صفحه ۱۲۹، قسمتی از حدیث ۴، زیارت جامعه کبیره نقل از حضرت امام هادی علیه السلام)

دوم: بعد ظاهری و بدنی یعنی همین بدن گوشت و پوست و استخوانی که صد در صد معمولی است. یعنی از حضرت نرجس خاتون علیها السلام متولد شده و همه خصوصیات که ما داریم آن بدن نیز دارد. اگر میکربی به او برسد مریض می شود و همه امراض ممکن است متوجه وجود مقدس بدن امام زمان علیه السلام بشود.

گرسنه و سیر می شوند، شمشیر بخورند، مجروح می گردند و باید دارای زن و فرزند هم باشند. همان خصوصیتی که ما داریم ایشان هم دارند، منتهی چون ایشان روی یک نظام صحیح هستند و رعایت کامل حفظ الصحه را در مورد بدنشان می کنند، سالم ترمی مانند. مثلاً در قسمتی از زیارت آن حضرت، این گونه برای آن حضرت دعا می کنیم: «و احفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمنه و عن شماله و احرسه و امنعه من ان یوصل الیه بسوء: خدایا او را از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپ حفظ کن و مواظب او باش و مانع شو که به او بدی و ناراحتی برسد» (بحارالانوار، جلد ۵۳، صفحه ۱۷۳، باب ۳۱، قسمتی از حدیث ۵، زیارت حضرت صاحب الأمر علیه السلام) اگر خدا او را حفظ نکند، او هم مثل ما پیر می شود و حتی ممکن است از دنیا برود، ولی خدا او را حفظ می کند.

اما اصل دعا در حقیقت اظهار محبت است. مثلاً صلوات که می فرستیم، یعنی خدایا رحمتت را بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و آل او نازل کن. حال اگر ما صلوات نفرستیم، آیا خدا رحمتش را بر آنها نازل نمی کند؟ قطعاً باز هم نازل می کند. پس این کار اظهار محبت است، یعنی می خواهیم بگوئیم تو را دوست داریم، امام زمانان را دوست داریم، برای او دعا می کنیم که او سالم باشد، ولی برای دشمنانش دعا می کنیم که از بین بروند و اصلاً نباشند. اینها یک نحوه اظهار محبت است و باید به آنها اظهار محبت کرد. با اظهار محبت است، که محبت زیاد می شود. اگر برویم داخل حرم حضرت امام رضا علیه السلام بنشینیم و سرمان را پائین بیندازیم و حتی نگاه محبت آمیزی هم به ضریح نکنیم، محبتمان به تدریج کم می شود. اما اگر به هر نحوی که شده مثلاً ضریح یا زمین را ببوسیم و به حضرت بگوئیم آقا جان قربانتان گردم، کم کم می بینیم که نشاط بیشتری پیدا می کنیم. اگر ما کسی را خیلی دوست داشته باشیم ولی وقتی به او برخورد می کنیم هیچ به او اظهار محبت نکنیم، بعد از اینکه از او جدا شدیم، می بینیم که محبتمان به او کم شده است. اما اگر به او رسیدیم و او را در بغل گرفتیم و اظهار محبت کردیم، بعد از جدا شدن محبتمان به او زیاد می شود. در احادیث داریم که از چیزهایی که با اظهار و انفاقش، زیاد می شوند، یکی علم و دیگری محبت است.

پس این دعا در حقیقت اظهار محبت ما نسبت به امام زمان علیه السلام است و همچنین می توانیم بگوئیم برای سلامتی ایشان صلوات فرستاده ایم و در اصل خود صلوات هم، درخواست سلامتی برای امام زمان علیه السلام است.

«سؤال پنجم»

وظیفه ما درباره تعجیل در فرج حضرت بقیه الله ارواحنا فداه چیست و دعای ما در این باره چقدر مؤثر است؟

«پاسخ»

انسان باید از خدا بخواهد که فرج حضرت ولی عصر ارواحنا فداه و یا فرج آل محمد علیهم السلام هر چه زودتر برسد تا گرفتاری هائی که بشر را احاطه کرده پایان یابد. فرج یعنی باز شدن راه و برطرف شدن گرفتاری و غم. حالا راه ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام با هر چه سد شده است، باید انسان از خدا بخواهد این سدها

برطرف شود. در حال حاضر هنوز دنیا آمادگی پذیرش امام زمان علیه السلام را به طور کامل ندارد. از خدا باید بخواهیم این آمادگی را مردم پیدا کنند تا فرج آن حضرت برسد. از ناحیه معصومین علیهم السلام و خود آن حضرت دستور رسیده است که «و اکثروا الدعاء بتعجيل الفرج» (بحارالانوار، جلد ۵۲، صفحه ۹۲، حدیث ۷) یعنی زیاد دعا کنید برای فرج آن حضرت. به هر حال باید طوری باشد که به این امر و دستور عمل شده باشد.

عجله یعنی چیزی که هنوز وقتش نرسیده است و انسان بخواهد انجام دهد. عجله برای ما که نمی توانیم مصالح را تغییر دهیم، غلط است و از شیطان است. (وسائل الشیعه، جلد ۲۷، صفحه ۱۶۹، باب ۱۲، حدیث ۳۳۵۱۴ و بحارالانوار، جلد ۶۸، صفحه ۳۴۰، حدیث ۱۲) اما درخواست عجله از خدا چون می تواند مفاسد عجله را از بین ببرد خوب است. حال اگر ما از خدا طلب تعجیل در فرج را می کنیم، یعنی خدایا اگر وقتش هم نشده تو قادر هستی مفاسد عجله و عمل را قبل از وقتش انجام دادن، را از بین ببری و ظهور را جلو بیندازی.

در روایات آمده است وقتی بنی اسرائیل قبل از ظهور حضرت موسی علیه السلام او را در بیابان دیدند، حضرت موسی علیه السلام به آنها فرمود: چهل سال دیگر از وقت آمدن من باقی مانده است. بنی اسرائیل دعا کردند، خدا ده سال تخفیف داد. شکر کردند، ده سال دیگر تخفیف داد. باز دعا کردند ده سال دیگر تخفیف داد. سپس حضرت موسی ظهور کرد و بنی اسرائیل را از ظلم فرعون نجات داد. (خلاصه ای از مضمون حدیث شریف کمال الدین، جلد ۱، صفحه ۱۴۵ تا ۱۴۷، باب فی غیبه موسی علیه السلام، حدیث ۱)

مانند همین مسأله راجع به فرج امام زمان علیه السلام است که حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند اگر شما دعا کنید از مدت غیبت کم می شود و اگر شکر کنید باز تخفیف بیشتری می دهند و بعکس اگر مردم بگویند چقدر اسم امام زمان علیه السلام را می برید و به دعا بر آن حضرت معترض باشند و هر کسی را به یک نحو مانع از ذکر آن حضرت بشوند، همین اعمال، ظهور را تأخیر می اندازد.

هر کس مشکلی دارد، راه حل آن مشکل، فرج آن حضرت خواهد بود. مثلاً کسی بدهکار است یا کسی خانه ندارد، اینها با فرج امام زمان علیه السلام حل خواهد شد. اگر فرج آل پیغمبر علیهم السلام انجام بشود، فرج تمامی مردم انجام شده است. (بحارالانوار، جلد ۵۲، صفحه ۹۲، باب ۲۰، حدیث ۷) لذا دعا برای تعجیل فرج امر عقلی است و لازم است این کار و این دعا در مجامع و منابر انجام بشود و به این دستور حضرت ولی عصر علیه السلام عمل گردد.

«سؤال ششم»

عمل کردن به این آیه شریفه قرآن که خدای تعالی می فرماید: "با امام رابطه برقرار کنید" به چه صورت باید باشد تا انسان وظیفه خود را انجام داده باشد؟

«پاسخ»

خدای متعال در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» کلمه "رابطوا" در ظاهر آیه به معنای این است که با هم ارتباط داشته باشید و تفرقه نداشته

باشید. ولی در تفسیر، یعنی باطن آیه، معنایی را در روایت می فرماید: «ای رابطوا امامکم المنتظر: با امام منتظران رابطه داشته باشید.» (غیبه النعمانی، صفحه ۱۷ و صفحه ۱۹۹، باب ۱۱، حدیث ۱۳)

به طور کلی رابطه با امام بر دو قسم است، چه امام حاضر باشد و چه غائب. یک زمان منظور از رابطه داشتن با امام این است که هر وقت بخواهیم بتوانیم برویم او را ببینیم. یک زمان نیز معنای رابطه این است که انسان مثل احمد بن اسحاق قمی که با حضرت امام حسن عسکری علیه السلام رابطه داشت، باشد. او در قم زندگی می کرد و امام حسن عسکری علیه السلام در سامراء بودند. سالی یک بار خدمت امام حسن عسکری علیه السلام می رسید و سؤالاتش را می پرسید و اگر سهم سادات یا سهم امام داشت به حضرت تقدیم می کرد و آن حضرت هم به او دستور فرمودند که مسجد امام حسن عسکری علیه السلام را در قم بسازد. (اعیان الشیعه، جلد ۳، صفحه ۱۵۴)

ما باید این رابطه را با امام زمان خود داشته باشیم، یعنی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه ما را بشناسند و ما نیز حضرت را بشناسیم. این معنای رابطه است نه اینکه مثلاً روزی یک ساعت در خدمتشان بنشینیم. اگر این نشستن در محضر حضرت، رابطه است، پس رابطه ابوسفیان با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خیلی زیاد بوده، در حالی که هیچ رابطه معنوی نداشته است.

دیدن، نشستن، چشم و ابرو نگاه کردن و با حضرت صحبت کردن، ولی معرفت نداشتن را رابطه نمی گویند. ندیدن و ملاقات نکردن، ولی امام را شناختن، به سخنانش توجه و به حرف هایش عمل کردن را رابطه می گویند و منظور قرآن شریف هم همین نوع از رابطه است که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» در زمان غیبت صبر کنید و همدیگر را وادار به صبر کنید و با امام زمانتان روحاً ارتباط برقرار کنید.

«سؤال ششم»

چگونه می توان رضایت امام زمان علیه السلام را در زمان غیبت نسبت به اقدامات و اعمال خود کسب کرد؟

«پاسخ»

چون کلمات خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام در دست و اختیار ماست، کلمات خدا هم هست که مجتهد شویم، استنباط کنیم و ببینیم نظر خدا و امام زمان و ائمه اطهار علیهم السلام چیست و به آنها عمل کنیم. یعنی خودمان از قرآن، آیات و روایات احکام را استنباط کنیم و اگر هم نمی توانیم مجتهد شویم، تقلید کنیم و اگر این کار را کردیم طبعاً به وظیفه مان عمل کرده ایم و رضایت امام عصر علیه السلام را بدست آورده ایم.

در آیه شریفه ۱۲۲ سوره توبه آمده است: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ: باید از هر جمعیت و فرقه ای افرادی باهوش و با استعداد انتخاب شوند و برای تحصیل علم فقه هجرت بکنند و برگردند و مردم از آنها تقلید کنند.» این دستور قرآن است. پس یا باید مجتهد شویم (کلمه اجتهاد یعنی زحمت کشیدن، فکر کردن و مسائل و احکام را از

میان آیات و روایات بیرون کشیدن) و یا اینکه کسانی بروند تفقه در دین بکنند، وقتی برگشتند، ما از آنها تقلید کنیم. وقتی به دستورات اسلام در این صراط مستقیم عمل نماییم، حضرت ولی عصر ارواحنا فداه طبعاً از ما راضی خواهند شد.

«سؤال هفتم»

ما چگونه می توانیم در زمان غیبت امام زمان علیه السلام به آن حضرت خدمت کنیم؟

«پاسخ»

خدمت به امام زمان علیه السلام خدمت به دین مقدس اسلام است. هر چه انسان به اسلام بیشتر خدمت کند به امام زمان علیه السلام بیشتر خدمت کرده است، چون امام زمان علیه السلام کار شخصی به آن صورت ندارند که مثلاً بخواهند سوار اسب شوند ما کمکشان کنیم، در هیچ یک از این گونه مسائل احتیاجی به کسی ندارند، بهترین خدمت و کمکی که می توان کرد همان کاری است که خود آن حضرت هم مشغول آن کار هستند و خدمت به هدف آن حضرت است که تربیت انسانها می باشد. اینکه ما افرادی را که با ما در ارتباطند به سوی انجام واجبات و ترک محرّمات و تزکیه نفس بکشانیم، این بهترین خدمتی است که می توان به آن حضرت کرد. لذا وظیفه واجب هر مسلمانی این است که مردم را با آن حضرت آشنا کند، تا مطیع فرمایشات او و اجداد و آباء طاهرینشان علیهم السلام باشند.

«سؤال هشتم»

بعضی عقیده دارند که امام عصر علیه السلام در صورتی تشریف می آورند که جهان را فساد در بر گرفته باشد. لذا اینها منکر امر به معروف و نهی از منکر هستند و می گویند باید بگذاریم دنیا پر از ظلم و جور شود! و امر به معروف و نهی از منکر جلوی ظهور را می گیرد! جواب آنها چیست؟

«پاسخ»

کسی که معتقد به دین مقدس اسلام و امام زمان علیه السلام باشد، چنین فکری نمی کند زیرا با کمی تحقیق می فهمد که ظهور آن حضرت فقط مربوط به فساد یا صلاح عالم نیست. اگر در روایات آمده که می گویند: «او دنیا را پر از عدل و داد می کند بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد.» جز این نیست که ائمه اطهار علیهم السلام به ما خبر می دهند که حضرت ولی عصر ارواحنا فداه دنیا را پر از عدل و داد می کند، بعد از اینکه پر از ظلم و جور شده باشد.

طبیعتاً برای زندگی در این دنیا حتماً امام و رهبری لازم است تا مردم را به سعادت دنیا و آخرت راهنمایی کند. هرچه ما بهتر باشیم، امام عصر علیه السلام بیشتر به تربیت ما همت می کند و بهتر ما را هدایت می فرماید و اگر امام و رهبری نباشد، طبعاً مردم ظلم و جور خواهند کرد. پس اینکه دنیا پر از ظلم و جور می شود خبری است که

ائمه عليهم السلام از آینده داده اند و این طبیعت مردم دنیا است که اگر بدون امام باشند، دنیا را پر از ظلم و جور می کنند.

این همان چیزی است که ملائکه روز اول خلقت به خدای تعالی گفتند: «قَالُوا أَلَمْ تَجْعَلْ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدَّمَاءَ : گفتند آیا کسانی در زمین خواهی گماشت که در آن فساد کنند و خون ها بریزند» (آیه ۳۰ سوره بقره) ولی اگر افراد بشر رشد فکری پیدا کنند، دنیا احتیاج به یک رهبر و قانون واحدی دارد که البته دانشمندان الهی و غیر الهی همواره قوانین واحد و رهبر واحدی را خواسته اند، به خصوص از وقتی که به جنگ های جهانی اول و دوم برخورد کردند و متوجه شدند که بدون این محال است که جهان روی آرامش را ببیند و لذا سازمان ملل را ایجاد کردند و همین عمل معلوم می کند که بشر خودش نمی تواند این نظم را ایجاد کند. با این حال هیچ کس نتوانسته تا به حال این حکومت و نظم واحد را پیاده نماید.

در یکی از نوشته های «برتراند راسل» آمده که علت عدم تشکیل این حکومت تا به حال با وجود اینکه تمام عقلای عالم راه حل مشکلات اجتماعی را همین می دانند، این است که این کار احتیاج به یک مجری دارد که این خصوصیات را داشته باشد:

۱- هیچ کاری را به نفع خودش انجام ندهد.

۲- علمی زیاد و فوق العاده داشته باشد و تمام مصالح و مفاسد اجتماع را اطلاع داشته باشد.

۳- قدرتی داشته باشد که بتواند تمام قوانین را اجراء کند.

۴- این شخص یک نفر باشد که بتواند وحدت را در سراسر عالم به وجود بیاورد.

او می گوید: «چون چنین شخصی وجود ندارد، پس این ایده محال است عملی شود.» ولی از نظر اسلام این محال نیست، بلکه شخصش هم تعیین شده و ما امامی داریم که از عصمتی برخوردار است که کوچک ترین کاری را برای هوای نفس خود انجام نمی دهد و علمی دارد که خدای تعالی درباره اش می فرماید: «وَ كُلِّ شَيْءٍ أَحْصِيْنَهُ فِي إِمَامٍ مَّبِيْنٍ» (آیه ۱۲ سوره یس) یعنی علم هر چیزی را به امام داده ایم. او قدرتی دارد که متکی به پروردگار است و طبعاً قدرتش با قدرت خدا یکی است، لذا قدرتش بی نهایت است.

اما این تأخیر ظهور مربوط به آماده نبودن ما است. وقتی مردم آمادگی داشته باشند آن حضرت تشریف خواهند آورد. اینکه می گویند: «بایستی دنیا پر از ظلم و جور شود» این مضمون در روایات نیست بلکه گفته اند: «دنیا پر از ظلم و جور خواهد شد» (دقت شود) و منظور هم این است که وقتی مردم امام معصومی نداشته باشند و رهبرانشان فاسق، کافر و ظالم باشند، طبعاً دنیا پر از ظلم و جور می شود. وقتی مردم ظلم و جور را احساس کردند، آماده پذیرش آن حضرت خواهند شد، و الا از روز اول که خدا حضرت آدم علیه السلام را خلق کرده است، تا به حال ظلم در عالم پر بوده است، زیرا همیشه طاغوت ها زمام قدرت را در دست داشته اند. در حال حاضر نیز ظلمی که به همه ما شده این است که اگر در خانه اهل بیت عليهم السلام باز بود و می توانستند معارف الهی را نشر دهند، هر کدام از ما مانند اعلم علماء بودیم.

«سؤال نهم»

آیا حضرت ولی عصر علیه السلام همیشه به یک صورت دیده می شوند؟

«پاسخ»

اگر حضرت ولی عصر علیه السلام همیشه به یک صورت دیده شوند، طبعاً وقتی یک شخص آن حضرت را در جایی دید، ایشان را خواهد شناخت و اگر آن حضرت را به دیگران هم معرفی کند، همه خواهند شناخت و کم کم حضرت ولی عصر علیه السلام از غیبت بیرون می آیند. لذا باید آن حضرت در چشم افراد تصرف کنند، یعنی امام را بطور دیگری ببیند و یا در خودشان تصرف کنند، یعنی به صورتهای مختلف دیده شوند و آنچه ظاهراً بیشتر به دست آمده، همان تصرف در چشم افراد است و البته اگر کسی سر نگهدار باشد، بعید نیست حضرت را به شکل همیشگی شان ببیند.

«سؤال دهم»

تعداد یاران خاص حضرت ولی عصر علیه السلام چقدر است؟ آیا در این مورد بدائی ممکن است صورت گیرد و این افراد چه کسانی هستند؟

«پاسخ»

اصحاب آن حضرت طبق چند روایت سیصد و سیزده نفرند. اما بداء که معنی آن را «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يُثَبِّتُ: خداوند هر چه را بخواهد محو و اثبات می کند» (آیه ۳۹ سوره رعد) توضیح می دهد، در وعده های الهی نیست. چرا که هر چه را خدا وعده کرده، حتماً خواهد شد. مثلاً اگر فرموده که امام زمان علیه السلام می آید و دنیا را پر از عدل و داد می کند، حتماً خواهد آمد، زیرا خدای تعالی می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ» (آیه ۹ سوره آل عمران و آیه ۳۱ سوره رعد) تغییر و تخلفی در وعده های الهی نیست. ولی در وعیدها تغییر هست. مثلاً اگر خدای تعالی فرموده باشد که تارک الصلاه به بهشت نمی رود، می تواند او را عفو کند، به خصوص که فرموده: «وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» (آیه ۱۵ سوره مائده و آیه ۳۰ سوره شوری)

پس ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام و خصوصیات که برای ظهور هست، جزو وعده های الهی است و تغییر ناپذیر است و حتماً عمل به آن خواهد شد.

یاران حضرت ولی عصر علیه السلام سیصد و سیزده نفرند و از روایات استفاده می شود که آنها از فرماندهان رده بالا هستند و طبعاً فرمانبرداران آنها هم مردم می باشند. این سیصد و سیزده نفر که اوتاد و ابدال هم در بینشان هستند، همه آنها تحت فرماندهی کل قوا یعنی حضرت ولی عصر علیه السلام خواهند بود، بعد به ترتیب تا به مردم معمولی می رسد که تحت فرمان این سیصد و سیزده نفر می باشند.

«سؤال یازدهم»

چرا عنایاتی که از طرف امام زمان علیه السلام همواره بر سرمان مستدام است، گاهی احساس نمی شود و برای توجه دائمی به آن وجود مقدس باید چه کنیم؟

عنايات حضرت ولی عصر علیه السلام با عنايات ذات مقدس پروردگار وحدت دارد، يعنى اگر خدا نخواستہ باشد عنايتی به کسی نکند، امام زمان علیه السلام هم عنايتی نمی کند و اگر امام زمان علیه السلام عنايتی نکند، خدا هم عنايتی نمی کند، پس عنايتشان وحدت دارد و خدای تعالی یکی از صفاتش «خفی الالطاف» است، يعنى الطافش را خیلی نمی خواهد به رخ ما بکشد. افراد تنگ نظری هستند که وقتی برای کسی کاری می کنند یا هدیه ای به کسی می دهند، دوست دارند طرف همیشه منظور کند، هر وقت هم که یادش می رود، به یادش می اندازند که من به تو چنین محبتی کرده ام! این خلاف «خفی الالطاف» بودن است. انسانی که خفی الالطاف است وقتی کاری برای کسی می خواهد بکند، حتی خودش زمینه سازی می کند، که به نام دیگری تمام بشود.

درباره حضرت امام سجاد علیه السلام آمده که ایشان پسرعموی داشتند که آن حضرت شب ها به صورت ناشناس پیش او می رفتند و مقداری دینار به او می دادند. اما او می گفت: علی بن الحسین هیچ با من صله نمی کند و خیری به من نمی رساند... حضرت سجاد علیه السلام این کلمات را می شنیدند و تحمل و صبر می کردند و خودش را به او نمی شناساندند. وقتی آن حضرت رحلت کردند، پسرعمویشان متوجه فقدان آن مرد خیر شد و فهمید که آن ناشناس، حضرت سجاد علیه السلام بوده است. پس بر سر قبر آن حضرت می آمد و گریه می کرد. این معنای خفی الالطاف است.

از صفات ذات مقدس پروردگار یکی این است که می گوئیم: «یا خفی الالطاف: ای خدائی که الطافت خیلی خفی است.» امام زمان علیه السلام هم همین طور است. اگر فکر کنیم، می بینیم از اول عمر، هر چه دعا کرده ایم و حاجت خواسته ایم، مثلاً هفت یا هشت حاجت داشته ایم، اکثراً همه را به ما داده اند. اما اینکه چرا همان جا که دعا کرده ایم نداده اند، چون می فهمیدیم کار خدا و امام زمان علیه السلام است و این خلاف "خفی الالطاف" بودن آنهاست.

مثلاً ممکن است مرضی داشته ایم و گفته ایم: «یا صاحب الزمان مرا شفا بده»، از همان لحظه رو به شفا و بهبود می رویم، اما برای اینکه به نام خودش تمام نکنند، دکتر و بیمارستان هم می رویم و به نام طبیب هم در می آیم. یا بیماری با خواندن چند بار سوره حمد خوب می شود، ولی در همین هنگام فرد دیگری پیدا می شود و داروئی تجویز می کند. بیمار هم می خورد و خوب می شود و خیال می کند که آن دارو او را خوب کرده است. گاهی باید به او گفت این دارو را الآن نخور، بعداً بخور، یا اصلاً نخور، برای اینکه بفهمد که سوره حمد او را خوب کرده است. ولی خدا این اصرار را ندارد، خدا می خواهد فهم و درک و شعور انسان را بالا ببرد و انسان بداند همان دارویی که او را شفا داده، خدا شفا را در آن قرار داده است و هر چه هست از طرف خدا است.

برای توجه دائمی به امام زمان علیه السلام نیز باید در مرحله اول معرفت و محبت ایشان را در دل زیاد کرد. وقتی محبت و معرفت زیاد شود، طبعاً توجه به آن حضرت هم زیاد می شود.

چرا به حضرت ولی عصر علیه السلام، لقب «بقیه الله» داده شده است؟

«پاسخ»

خدای تعالی مطالبی را که اراده کرده به بشر برساند، از طریق انبیاء عظام رسانده است و هر کدام از انبیاء بخشی از مطالب علمی را از ناحیه خدای متعال به انسان ها رسانده اند تا نوبت به پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله رسیده است و آن حضرت هم چون استعداد مردم و عمر شریفشان ایجاب نمی کرد که آنچه را از علوم که آن حضرت واسطه اش بوده اند که تمامی علوم و باقیمانده علوم الهی برای مردم می باشد را به مردم برسانند، به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و آن حضرت به امام مجتبی علیه السلام و همین طور هر کدام از ائمه اطهار علیهم السلام به دیگری داده و آنها به نوبت و طبق اقتضاء زمان و مکان برای مردم بیان کرده اند تا رسیده است به زمان امام حسن عسکری علیه السلام که آن حضرت نیز باقیمانده علوم الهی برای مردم را به وجود مقدس حضرت صاحب الزمان علیه السلام تحویل داده اند، لذا بقیه الله یعنی «بقیه علم خدا برای مردم» که به آن حضرت گفته شده است.

ضمناً هر کدام از ائمه اطهار علیهم السلام نسبت به امام قبل از خود بقیه الله بوده اند، به همین جهت در زیارت جامعه کبیره خطاب به تمامی ائمه اطهار علیهم السلام عرض می کنیم: «و بقیه الله و خیرته و حزبه و عیبه علمه»

«سؤال سیزدهم»

ملاقات با امام زمان علیه السلام تابع چه شرایطی است و آیا برای همگان میسر است؟

«پاسخ»

در زمان غیبت صغری خود امام عصر علیه السلام یک راهی برای ملاقات افراد که همان چهار نایب خاص آن حضرت و بعضی از خوبان بوده اند، باز فرموده بود، برای اینکه مردم یک دفعه در تاریکی مطلق غیبت فرو نروند و خودشان را آماده برای غیبت کبری نکنند. با صدور آخرین نامه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه به چهارمین نایب خاص، جناب علی بن محمد سمري رحمه الله و بعد از وفات ایشان، عملاً غیبت کبری شروع گردید.

امام زمان علیه السلام در متن آخرین توقیع به علی بن محمد سمري رحمه الله فرموده اند: «فمن ادعی المشاهده قبل خروج السفیانی و الصیحه فهو کذاب مفتر» یعنی هر کس بعد از وفات آخرین نایب، قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی، ادعای مشاهده بکند، افترا زننده و کذاب است. ادعای مشاهده یعنی یک نفر پیدا بشود بگوید من اجازه دارم که هر وقت بخواهم خدمت امام زمان علیه السلام برسم، سؤالاتم را بپرسم و جواب برای خودم یا برای دیگری بگیرم. اجماع علمای بزرگ تشیع از متقدمین تا متأخرین، بلکه هر بزرگی که متن آخرین توقیع به علی بن محمد سمري رحمه الله را نقل فرموده است، در مورد معنای «المشاهده» بر آن است که منظور همان «نیابت خاصه» یا «بابیت» می باشد. اگر کسی یک چنین ادعائی کرد، این شخص مطلقاً دروغگو است، به جهت اینکه بابیت دیگر قطع شده است، البتّه خود حضرت هر کس را که صلاح بدانند به او ملاقات می دهند ولی این طور

نیست که هر کسی هر چه هم اهل تقوی باشد با یک کاری مثلاً چهل شب جمعه به مسجد جمکران برود یا چهل شب چهارشنبه به مسجد سهله برود و حضرت را ملاقات کند. اگر بنا بود که با این اعمال کسی موفق بشود بالأخره راهی باز می شد و همه این کار را می کردند و ظهور انجام می شد و مردم آن حضرت را از غیبت کبری بیرون می آوردند. بنابراین ملاقات هائی که انجام می شود تفضّلاتی است که حضرت می کند. حالا یک نفر روی صفا و پاکی خودش فکر کرده که اگر این ریاضت را بکشد، بیشتر احتمال دارد که خدمت حضرت برسد، حضرت هم اظهار لطفی می کنند.

حضرت بقیه الله به هر که صلاح بداند ملاقات می دهد، تا به حال آنچه هم ملاقات با حضرت انجام شده همین طور بوده است. پس هیچ کاری نمی توان کرد که خدمت حضرت برسیم، چون راه بسته و مسدود است. اما ملاقات افراد با امام زمان علیه السلام که اختیار کار در دست حضرت باشد، شاید برای بعضی چندین بار هم اتفاق بیفتد مانند سید بحرالعلوم یا سید بن طاووس که این موفقیت را داشته اند. بنابراین ملاقات با خواست حضرت میسر است و به هیچ وجه با اختیار ما میسر نیست.

کسی که به کمالات عالیّه انسانی رسیده هم نمی تواند با "اراده خود" خدمت امام زمان علیه السلام برسد، در حالی که یک آدم بسیار بد ممکن است خدمت امام زمان علیه السلام برسد، چون اختیار و مصلحت در دست آن حضرت است و اگر کسی گفت که من خدمت امام زمان علیه السلام رسیده ام، دلیل بر اینکه حتی دینش درست باشد هم نیست، چون در ملاقات هائی که نقل کرده اند، مسیحی، سنی ناصبی و افراد بی سواد هم خدمت امام زمان علیه السلام رسیده اند، قضایایش هم مسلم و معتبر و با معجزه توأم بوده است.

امام عصر علیه السلام با همین بدن معمولی میان مردم هستند و مانند ملائکه و یا اجنه نیستند که غائب باشند و دیده نشوند و گاهی برای بعضی از افراد خود را ظاهر کنند. مسأله مهم شناخت و معرفت حقیقی آن حضرت است، معرفتی که بشناسند، نه اینکه نام حضرت را بدانند و بگویند این آقا امام زمان علیه السلام است، بلکه معرفت به مقام حضرت بقیه الله داشته باشند، که مربوط به کمترین و افرادی که اهل کمالات اند می باشد.

«سؤال چهاردهم»

وقتی حضرت ولی عصر علیه السلام تشریف می آورند وضع تزکیه نفس کنندگان و پاکان چه می شود؟

«پاسخ»

افرادی که قبل از ظهور حضرت تزکیه نفس و خود را پاک کرده اند مقرب اند. «وَالسَّبِقُونَ السَّبِقُونَ» * أولئك الْمُقَرَّبُونَ» (آیات ۱۰ و ۱۱ سوره واقعه) این درباره همه است. افرادی هم که تزکیه نفس نکرده اند و در دلشان امراض و صفات اخلاقی زشتی هست، مخصوصاً جاه طلبی، خودخواهی و امثال آنها، آنها را حضرت بسیار پست می کند و آن قدر آنها را ضعیف می کند که اصلاً به فکر جاه و مقام نیفتند، چون مزاحم می شوند. طبع زندگی آن زمان خواهی نخواهی رو به تزکیه نفس و پاکی می رود و در یک مدت زمان شاید حدود هفت یا هشت ساله همه تزکیه نفس و پاک از زشتی های اخلاقی می شوند. طبعاً افرادی که در مرحله کمالات هستند مقربند. حضرت به آنها اعتماد و اطمینان می کنند و به آنها کارهائی که مربوط به اداره کوره زمین است، ارائه می دهند. چون

حضرت برای حفظ کره زمین خیلی کارمند لازم دارند. استاندارها و فرماندارها همه از میان همین افراد تزکیه نفس شده که به عنوان یاران خوب حضرت هستند، انتخاب می شوند. (بحارالانوار، جلد ۵۲، باب بیست و هفتم، صفات و احوال اصحاب حضرت ولی عصر علیه السلام) آنها هم که کافر و ملحدند، یا با امام عصر ارواحنا فداه سر جنگ دارند و بالاخره اگر خیلی بد باشند، مانند غده سرطانی هستند که ناچار باید آنها را قطع کرد. بنابراین آنها را امام علیه السلام از بین می برند، مخصوصاً اگر قدرتی نیز در دستشان باشد.